

در این شماره می خوانید:

ناگفته هایی از داستان قربان

مولود صریا

اسلام و غرب، تعامل یا تقابل

رضوان

فصلنامه مذهبی رضوان
سال اول، شماره چهارم، تابستان ۱۴۰۱



بسم الله الرحمن الرحيم



مقام معظم رهبری:
تشکل‌های دانشجویی فرصتی هم برای دانشجو ایجاد میکند برای کار دسته‌جمعی
و من به کار دسته‌جمعی اعتقاد دارم و این را یک نیاز دانشجو میدانم.

فهرست مطالب

- ۱ سخن مدیرمسئول
- ۲ سرمقاله
- ۴ ناگفته‌هایی از داستان قربان
- ۶ دحو الارض
- ۷ راز آهوان
- ۸ پیوند آسمانی
- ۱۰ مولود صریا
- ۱۲ یک ملت
- ۱۳ اسلام و غرب، تعامل یا تقابل
- ۱۴ گزارش تصویری
- ۱۵ عید غدیر (اینفوگرافیک)

فصلنامه مذهبی رضوان

سال اول، شماره چهارم، تابستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز:

کانون قرآن و عترت دانشگاه علوم پزشکی
وارستگان

شماره مجوز:

۱/۰۰/۸۲۰۳۰

مدیرمسئول:

امیرحسین محمدبیگی

سر دبیر:

مهدی حسینی کفشدار

ویراستاران:

امیررضا آفتاب طلب، مهدی حسینی کفشدار

طراح و صفحه آرا:

امیرحسین محمدبیگی

هیئت تحریریه:

نسترن قربانیان، سیدمحمد شایان شرف زاده،

بنت الهدی سبزقبایی، ستاره تقوی، ساجده

سالمیان، مهدی حسینی کفشدار، امیررضا

آفتاب طلب، محمدصادق عابدی

کانال‌های نشریه در فضای مجازی



امیرحسین محمدبیگی

علوم آزمایشگاهی ۹۷۲

سخن مدیرمسئول

به نام خالق بی همتا

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت مخاطبین محترم نشریه مذهبی رضوان. خداوند را شاکرم که توفیق حاصل شد تا چهار شماره از نشریه رضوان را به عنوان مدیرمسئول در خدمت شما سروران گرامی باشم. نشریات دانشجویی به عنوان یکی از رسانه های مکتوب، فضای بسیار خوبی برای کشف و پرورش استعداد دانشجویان فارغ از مشغله های درسی که آنها را به نوعی روزمرگی دچار کرده می باشد. یک نشریه می تواند به مشابه یک بسته مهارتی باشد که مهارت هایی از قبیل: کار گروهی، نویسندگی، تیترونیسی، رعایت اخلاق در نوشتن، ویراستاری مطالب، جستجوی پیشرفته عکس و فیلم، طراحی و صفحه آرایی را به دانشجو بیاموزد از زمانی که وارد فعالیت های فرهنگی در دانشگاه شدم سعی کردم در برنامه های مختلف شرکت کنم اما همکاری در نشریات دانشجویی، تجربه ی ویژه ای بود. یادم هست روزی که درخواست صدور مجوز برای انتشار نشریه را به کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه ارائه دادیم، به علت این که هیچ گونه تجربه و آشنایی قبلی در این زمینه نداشتیم، دغدغه ام این بود که چطور می توان یک اثر مخاطب پسند و با کیفیت خلق کرد. با مطالعه ی سایر نشریات دانشجویی که در این زمینه منتشر میشد؛ شرکت در دوره های تخصصی که از سوی وزارتخانه برگزار میشد و با همکاری دوستان فعال کانون قرآن و عترت مأوا، اولین شماره نشریه رضوان با محوریت اربعین حسینی در مهرماه سال ۱۴۰۰ منتشر شد.

به دانشجویانی که می خواهند در حیطه نشریات فعالیت کنند توصیه می کنم قبل از فعالیت چه به عنوان نویسنده و یا حتی سردبیر و مدیرمسئول، حتما آموزش های لازم را با شرکت در کارگاه ها فرا گیرند تا خروجی کار که نتیجه فعالیت گروهی است، رضایت بخش باشد. همچنین تنها به یک فعالیت در نشریه بسنده نکنند بلکه سعی کنند تا جای ممکن از این مقوله استفاده لازم را به عمل آورند.

در انتها تشکر ویژه دارم از آقای دکتر جاوید، معاون فرهنگی و دانشجویی مرکز آموزش عالی علوم پزشکی وارستگان، خانم ربیعی، کارشناس امور فرهنگی مرکز، آقای حسینی کفشدار، سردبیر توانمند نشریه و اعضای محترم کانون مأوا که با قلم خود ما را در این راه یاری کردند. با آرزوی توفیق روزافزون، التماس دعا



سرمقاله

با سلام و درود خدمت تمامی خوانندگان به ویژه دانشجویان عزیز خرسندیم بار دیگر در چهارمین شماره از نشریه مذهبی رضوان مهمان نگاه پر مهرتان شدیم. معمولاً رسم است که هنگام عزا و شهادت ویژه نامه یا نشریه ای به چاپ برسد اما این شماره مزین به زیباترین اعیاد اسلامی شده است. روز غدیر، روزی که خداوند در آن روز دین را تکمیل و نعمت را بر امت پیامبر تمام کرد و اسلام را به عنوان دین برای آنان پسندید، همان طور که نبی مکرم اسلام فرمودند: روز غدیر خم، برترین عید امت من است.

همچنین عید سعید قربان که عید رهایی از تعلقات دنیوی و هر آنچه غیرخدایی است محسوب می شود؛ روزی که نمود عینی لا اله الا الله، مرکب از نفی و اثبات، رویت شد.

ازدواج نورانی امیر المومنین و حضرت فاطمه زهرا و امتداد نسل رسول اکرم از طریق دخترشان هم از دیگر مواردی است که در این شماره می خوانید.

علاوه بر موارد فوق گریزی هم به مسایل سیاسی روز جامعه زده ایم. شاید سوال شود که چرا در نشریه مذهبی باید مطالب سیاسی آورده شود که در پاسخ باید گفت: حضرت امام خمینی (قدس سره) در کتاب فقهی تحریر الوسيله در بحث نماز جمعه می نویسد: آن کس که خیال کند دین از سیاست جدا است، او ناآگاهی است که نه اسلام را شناخته و نه سیاست را.

در پایان خاطر نشان می کنم که این نوشتار، آخرین شماره ای خواهد بود که به عنوان سردبیر در خدمت شما عزیزان هستم و انشالله پرچم را صاحبان قلم و اندیشه به دست خواهند گرفت و جهاد تبیین را ادامه خواهند داد. تشکر از تمام کسانی که در این یک سال با نشریه خودشان همکاری کردند. با آرزوی پیروزی و بهروزی. والسلام





سیدمحمدشایان شرف زاده

علوم آزمایشگاهی (۴۰۰۱)

ناگفته‌هایی از داستان قربان

اگر به سخنان حضرت حق در قرآن دقت کرده باشید، متوجه می‌شوید که بیش از ۷۰ درصد آن به داستان و حکایات تاریخی پرداخته شده. ما مسلمانان معتقدیم که خداوند، حکیم است و هیچ فعلی از او بدون تدبیر رخ نمی‌دهد. حال سؤالی که مطرح است، این است که هدف خداوند از بیان این حجم داستان در کتابش، چه بوده. شاید بتوان گفت به تعبیر دانش امروزی بشر، راه نفوذ به ناخودآگاه، خلق داستان است. باید توجه داشت در پشت هر داستان، یک فکر و یک ایدئولوژی نیز نهفته است. داستان ابراهیم و آخرین آزمون او نیز یکی از روایات پرتکرار کتب الهی است و همان‌طور که گفته شده از نظر مضمون و پیام، بسیار پربار و تأمل‌برانگیز است. در این مقاله سعی شده به تحلیل داستان واقعه قربان و ارتباط آن با جامعه امروز بپردازیم.

خداوند در قرآن آخرین آزمون ابراهیم (ع) را چنین بیان می‌کند:

وَ إِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ

و آنچه که خداوند، ابراهیم را به کلمات آزمود و او را موفق گرداند (سوره بقره آیه ۱۲۴)

نکته اول درباره این آیه، خداوند آخرین آزمون ابراهیم را با عنوان "کلمات"، معرفی می‌کند نه با عناوین دیگری مثل قربان. به نظر می‌رسد آزمون او چیزی فراتر از قربانی کردن فرزند او بوده. درباره واژه "کلمات" بحث‌های زیادی بین مفسرین اسلام رخ داده و تعبیر، متفاوت است. اما یک نکته وجود دارد، خداوند در همین سوره، در چند آیه قبل‌تر، از واژه کلمات استفاده کرده است، در جریان داستان

آفرینش: فَتَلَقَىٰ آدَمَ كُنْ رَبِّهِ يَلْمِزُكَ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت و خداوند توبه او را پذیرفت، زیرا خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است (سوره بقره آیه ۳۷)

این آیه مربوط به لحظه‌ای است که آدم (ع) پس از جریان هبوط خود از بهشت، در تلاش بود تا مورد عفو خداوند قرار گیرد و بیان کلمات، توبه او را برآورده کرد. طبق فرمایش امام صادق و همچنین در برخی منابع اهل سنت (منابع در انتها ذکر شده است) این کلمات

درواقع دعایی بود که جبرئیل به آدم آموخت و آن دعا این است:

یا حمید بحق محمد. یا عالی بحق علی. یا فاطر بحق فاطمه. یا محسن بحق الحسن. یا قدیم الاحسان بحق الحسين

و سپس حاجت خود را بیان کرد.

حال که با کلمات خداوند آشنا شدیم، به بررسی واقعه قربان می‌پردازیم. خداوند بیان کرده است آزمون ابراهیم، آزمون کلمات بوده است و این آزمون به حدی برای خداوند اهمیت داشته که پاداش آن را بسیار گران‌بها ذکر کرده است. به این نکته دقت کنید که طبق تاریخ، حضرت ابراهیم دو پسر داشت: اسحاق (ع) که در این واقعه، هنوز به دنیا نیامده و پدر امت بنی‌اسرائیل محسوب می‌شود و دیگری اسماعیل (ع) که پدر حقیقی نسل پیامبر اسلام و اهل بیت محسوب می‌شود. حال که با شجره خاندان اسماعیل آشنا شدیم اکنون به سختی آزمون ابراهیم پی می‌بریم. ذبح فرزندی که قرار است پدر حقیقی پیامبر اسلام باشد. پیامبری که چنان والامقام بود که نام او

عامل استجاب دعا برای سایر ائمه محسوب می‌شد.

به این نکته دقت کنید که در سایر آیات قرآن، در دعا‌های حضرت ابراهیم با خداوند، ایشان مدام، طلب ذریه و نسل نیک برای خود می‌کند. مثلاً در جایی می‌فرمایند:

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ. وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِينَ

پروردگارا! به من حکمت بخش، و مرا به شایستگان ملحق کن و برای من در آیندگان نامی نیک و ستایشی والا مرتبه قرار بده (سوره شعرا آیه ۸۳ و ۸۴)

وَ هَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

و به آنان از رحمت خود بخشیدیم، و برای آنان (در میان مردم) نامی نیک و ستایشی والا مرتبه قرار دادیم. (سوره مریم آیه ۵۰)



اکنون به چند نکته پی بردیم: ذبح اسماعیل (ع) به منزله ذبح پیامبر اسلام و ریشه اهل بیت است آن هم برای همیشه. چراکه مطابق وعده خداوند در همین آیه، علی (ع) قرار است از نسل ابراهیم باشد. ضمناً از دست دادن این ذریه برابر با بی بهره شدن ابراهیم از مهم ترین خواسته خویش یعنی ذریه و نام نیک در آینده است. افزون بر این ها، می دانیم که هیچ پیامبری بر امتش مبعوث نشد مگر اینکه از رسالت پیامبر اسلام مطلع بود. باین حال، سخت ترین آزمون ابراهیم، با موفقیت سپری شد. خداوند در بیان پاداش او چنین می فرماید:

قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

گفت: من تو را امام مردم قرار خواهم داد. ابراهیم گفت: آیا از فرزندان من نیز کسی را پیشوای مردم قرار می دهی؟ فرمود: امامت، عهد من است، و عهد من به کسانی از فرزندان تو که ستمکارند نمی رسد. (سوره بقره آیه ۱۲۴)

از این آیه، به چند کد مخفی پی می بریم، اول آنکه ابراهیم، پیش از این واقعه، به این درجات دیگری مانند اولوالعزم، نبی و خلیل الله رسیده بود. اما اکنون از درجه ای صحبت می شود که گویا بالاتر از سایرین است. دومین کد، این است که خداوند واژه امامت را عهدی بیان می کند که گویا به اسماعیل و ذریه او نیز رسیده است مگر بر ظالمین (افرادی مانند جعفر کذاب و بنی عباس). ضمناً در آیه ۱۲۵ بقره اینکه این عهد به اسماعیل رسیده نیز بیان شده است. احتمالاً اکنون علت این که روز عید قربان را آغاز دهه امامت نیز می نامند را متوجه می شوید.

به عنوان سخن پایانی، بهتر است نگاهی به تورات و صحبتی که از اسماعیل شده است نیز نیم نگاهی داشته باشیم: اما در خصوص پسر اسماعیل، اینک او را برکت داده و نسل او را او را بسیار کثیر گردانم و از او ۱۲ رئیس (امام) پدید آورم (سفر پیدایش باب ۱۷)

خداوند با حکایت روز قربان، یکی از مهم ترین ارکان اسلام را به بندگان خود می آموزد، رکنی به نام امامت. آنچه که دغدغه پیامبران قبل از اسلام نیز بوده. سم به نام آنها، گناه آدم (ع) را مورد آموزش قرارداد، کشتی نوح را در مقابل طوفان، مقاوم ساخت و ابراهیم را به اوج رساند. اگر دغدغه نسل های گذشته درباره امامت تا این حد زیاد بوده است، پس در عصر غیبتی که تنها یک امام برای تمام بشر باقی مانده است، باید چقدر باشد؟

منابع:

تفسیر المیزان

سفر پیدایش، باب ۱۷

تفسیر نور، محسن قرائتی

تفسیر اثنی عشری، حسین حسینی

سایت مضاف، سخنرانی راز ذریه

مستدرک الصحیحین، جلد ۲

کنز العمال، جلد ۱



ساجده سالمیان، ستاره تقوی

علوم تغذیه ۴۰۰۱

دحوالارض

برای این روز نماز و دعای مخصوصی وارد شده است. دعای این روز مشتمل بر مضامین عالی اخلاقی و اجتماعی و طلب رحمت و توفیق توبه و پیروزی پیروان حق است. گویا تعیین یک روز خاص رمزی است از دوره‌ای که زمین از وضع پیشین متحول شد و چهره‌ی سوزان و خشمناک آن به تدریج به صورت رحمت درآمد و زمین و هوا آماده برای پیدایش آب و گیاه و انسان شد و دحوالارض از زمان‌های بافضیلت است که بزرگ داشتن حق این روز سفارش شده تا آن جا که طبق روایات یکی از آن چهار روز است که در تمام سال به فضیلت روزه ممتاز است و روزه‌ی آن معادل با ثواب شصت ماه روزه‌داری است. البته زیارت امام رضا (ع) در این روز نیز بسیار سفارش شده است و قیام به عبادت و شب‌زنده‌داری در این شب که ثواب آن برابر است با ثواب صدسال عبادت و شب‌زنده‌داری. امام رضا (ع) فرمود: فضیلتی در این شب وجود دارد که هیچ‌کس از آن یاد نکرده است و آن این است که هرکس در آن روز روزه بگیرد مانند کسی است که شصت ماه روزه گرفته باشد. در روایتی آمده است که حضرت مهدی (عج) در همین روز دحوالارض قیام خواهند کرد. این روز به میلاد دو تن از انبیای اولوالعزم یعنی حضرت ابراهیم و عیسی مسیح (ع) نیز مزین شده است.



روز ۲۵ ذی‌القعدة، هم زمان با دحو الارض است. (دحو) به معنای بسط و گسترش است. بعضی نیز آن را به معنای تکان دادن چیزی از محل اصلی‌اش تفسیر کرده‌اند. منظور از دحوالارض (گسترده شدن زمین) این است که در آغاز، تمام سطح زمین را آب‌های حاصل از باران‌های سیلابی نخستین فراگرفته بود. شیب‌های تند و غیرقابل سکونت بود. بعدها باران‌های سیلابی مداوم باریدند، ارتفاعات زمین را شستند و دره‌ها گسترده‌اندک‌اندک زمین‌های مسطح و قابل استفاده برای زندگی و کشاورزی به وجود آمد.

مجموع این گسترده شدن (دحوالارض)

نام‌گذاری می‌شود؛ بنابراین دحوالارض

یعنی گسترش یافتن زمین. آن

نقطه از سطح زمین که همچو

جزیره زودتر از دیگر نقاط

زمین نمایان می‌شود، علاوه

بر این که قابلیت دارد تا

قبله تمام مسلمانان عالم

و مرکز اجتماع آن‌ها

قرار گیرد، این قابلیت

را نیز دارد که مولد وصی

بلافضل حضرت خاتم انبیا

(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

هم تعیین شود. بنابراین

باید گفت که خداوند متعال

اراده فرموده تا مکان کعبه را با

دحوالارض به انسان‌ها بنمایاند و بنای

کعبه محل ظهور و تجلی امامت باشد و لذا

نتیجه این می‌شود که دحوالارض اگرچه به‌ظاهر

گسترش خشکی است، ولی در باطن گسترش ولایت و امامت

معصومین (ع) است. از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که فرموده‌اند:

نخستین رحمتی که از آسمان به زمین نازل شد، در بیست و پنج

ذی‌القعدة بود. (مراقبات، ص ۱۸۶) بنابراین در این روز، انسان باید

امید زیادی به رحمت پروردگارش داشته باشد. اما روزی که زمین

برای سکونت موقت بشر مهیا می‌شود تا بر اساس خلقت و هدف

آفرینش خدا را عبادت کند، فرصتی برای تفکر و تعقل است که در

حکمت وجود خویش بنگریم و در رفتار و کردارمان رصد کنیم که

آیا خواست و رضایت خالق از خلق خویش را پاسخ گفتیم یا خیر؟

امیررضا آفتاب طلب

علوم تغذیه ۹۸۱

راز آهوان

توبه‌ام مشروط بر تقوا و پرهیز شاست
 این معاصی زان سبوی قنہ انگیز شاست
 کفر اگر برخاست از عشق بلاخیز شاست
 در بهشت است آن که خاک پای ناخیز شاست
 توبه‌ام مشروط بر تقوا و پرهیز شاست
 قافیه بر هم زخم کاین از علی موسی الرضاست

سرخوشی من به لطف جام سرریز شاست
 کفقرانت هم به رقصند العیاذ و العیاذ
 آهوانت کاش رازت را نکه می‌داشتند
 طعنه بر من می‌زنند آتش چه باشد؟ می‌بوش
 لطف کم کن تا مسلمانی بیاموزم کمی
 گر کسی از من پرسد این جبارت از کجاست



پیوند آسمانی

بنت الهدی سبزیبایی

علوم تغذیه ۹۹۲

امیرالمؤمنین (ع) موضوع را این‌گونه بیان می‌کند: هیچگاه فاطمه از من نرنجید و او نیز هرگز مرا نرنجاند، او را به هیچ کاری مجبور نکردم و او نیز مرا آزوده نساخت، در هیچ امری، قدمی برخلاف میل باطنی من برنداشت و هرگاه که به رخسارش نظاره می‌کردم، تمام غصه‌هایم برطرف می‌شد و دردهایم را فراموش می‌کردم. در جایی دیگر می‌فرماید: به خدا قسم! هرگز کاری نکردم که خشمگین شود، او نیز هیچگاه مرا خشمگین نکرد (۴ و ۳).

همراهی و پشتیبانی همسر

وقتی فاطمه (س) از بیت نبوی به سرای امامت رفت، میان این خانه و خانه‌ی پدرش تفاوتی نمی‌دید. زیرا این خانه هم مانند آنجا، محلی برای رفع مشکلات و حل گرفتاری‌های مردم بود. مردم سخت به این خانه چشم دوخته بودند و ناگواری‌ها و غم‌های خود را در آنجا مطرح می‌کردند و سبک‌بال از آنجا خارج می‌شدند. بدین‌گونه حضرت زهرا (س) شریک مجاهدت‌های مردمی و همسر بزرگوارش امیرالمؤمنین (ع) بود. او با شناخت عمیق و درک جایگاه بلند و حساس همسرش، تمام سختی‌ها و مرارت‌های زندگی را به جان می‌خرید (۵). فاطمه (س) در تمام مبارزات همسرش اعم از مبارزات سیاسی و جنگ‌های نظامی، مایه‌ی امید و دلگرمی او بود؛ در غیاب شوهر، خانه و فرزندان او را به‌خوبی اداره می‌کرد؛ با اشتیاق به انتظار بازگشت شوهر از جنگ می‌نشست و تمام سعی و کوشش خود را در راه آسایش او به کار می‌برد.

اولین روز از ماه ذی‌الحجه، برابر است با سالروز زیباترین پیوند آسمانی در جهان اسلام که نمونه‌ی تکرارنشدنی در تاریخ شیعه است. در این روز مبارک، حضرت علی (ع) با حضرت فاطمه (س)، برترین بانوی جهان، پیمان عشق بست و خداوند متعال، برترین فرستاده‌ی خود را شاهد این ازدواج قرار داد. عمر برکت ازدواج این دو بزرگوار به گستردگی آفتاب است و نام آنها برای همیشه در تاریخ ماندگار شده است.

سالروز ازدواج مبارک حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع)، به‌عنوان روز ازدواج نام‌گذاری شده است و روز فرخنده برای افرادی است که زندگی خود را با خاطره‌ای زیبا از سالروز ازدواج امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) آغاز می‌کنند. ازدواج این دو بزرگوار به امر الهی، از امتیازاتی است که پیامبر اعظم (ص) به آن افتخار می‌کردند. در این پیوند مبارک، فرشتگان آسمان در سرور و شادمانی و بهشتیان به زینت و زیور آراسته شده بودند.

رابطه‌ی ایمان و محبت به همسر

صفا و شادابی کانون خانواده، به حضور بانشاط «زن» بستگی دارد؛ اما نشاط و سرزندگی یک زن به محبت «مرد» وابسته است. حضرت علی (ع) درباره‌ی لطافت شخصیت زن فرمود: زن، گل بهاری است، نه پهلوانی سخت‌کوش. زن همانند گل است و به‌راستی، طراوت یک گل، مرهون مراقبت‌های باغبانی مهربان است؛ بنابراین هرگونه رفتار خشونت‌آمیز و قهرگونه، آرامش و نشاط خانه را به هم می‌ریزد (۲ و ۱).

آرامش خانه

هر مردی برای حل مشکلات گوناگون خارج از منزل، به یک روحیه‌ی قوی و زنده نیازمند است. او سعی می‌کند که از لحظاتی که در بستر آرام‌بخش خانه‌اش سکونت می‌یابد، برای تقلیل کاستی‌ها و زدودن نگرانی‌ها استفاده کند. مردی که از نعمت چنین خانه و خانواده‌ای برخوردار است، در مسیر زندگی و انجام وظایف سیاسی - اجتماعی خود فردی پیروز و موفق خواهد بود. فاطمه (س) جایگاه حساس و بلند شوهرش را می‌داند؛ همچنین می‌داند که علی (ع) در محیط بیرون با چه مشکلاتی روبروست. کوشش او ایجاد یک محیط آرام و باصفا در درون خانه بود، و نه‌تنها سخنی که موجب پریشانی او شود بر زبان نمی‌آورد، بلکه آنچه می‌گفت در جهت اهداف همسر فداکار و دلاورش بود.

توجه به همسر

حضرت علی نیز زمانی که به منزل می‌آمدند، اولین مخاطب کلام ایشان، همسر گرامی‌شان حضرت زهرا (س) بود. هر چند که گاهی بچه‌های خردسال با شیرین‌زبانی خود تلاش می‌کنند بیش از همه توجه پدر یا مادر را جلب کنند و در آغوششان جای بگیرند، اما همسران برتر با وجود این حالت طبیعی، لحظه‌ای از همسر خود غافل نمی‌شوند (۶)

اداره‌ی خانه، علی‌رغم اینکه ساده و عاری از پیچیدگی جلوه می‌کند، ظرافت‌های خاص خود را می‌طلبد که بی‌تردید، به کار بستن آنها موفقیت و آرامش روانی زن و مرد خواهد بود. عدم تعادل در تقسیم کار باعث می‌شود که در نهایت، یکی از دو رکن خانه یعنی زن و مرد از پای درآید. یکی از جلوه‌های زندگی مشترک امیرالمؤمنین (ع)

فاطمه (س)، تقسیم وظایف ناشی از زندگی مشترک بود. حضرت علی (ع) و زهرا (س) در آغاز زندگی مشترک، برای تقسیم مسئولیت‌ها خدمت رسول خدا (ص) رسیدند و از ایشان درخواست تعیین تکلیف نمودند. پیامبر (ص) کارهای داخل منزل مثل خمیر کردن، نان پختن و نظافت را به فاطمه (س) و کارهای بیرون منزل مانند آوردن هیزم و تهیه‌ی مواد خوراکی را به حضرت علی (ع) سپرد

پاداش خدمت به زن در خانه

رسول گرامی اسلام (ص) همسران را به کمک در کارهای خانه توصیه می‌کرد و دستاوردهای بزرگ این امر مقدس را یادآور می‌شد. علی (ع) در این باره فرمود: روزی رسول اکرم (ص) به حجره‌ی ما وارد شد؛ درحالی‌که فاطمه کنار دیگ غذا نشسته بود و من عدس پاک می‌کردم. به من فرمود: یا ابا الحسن! هیچ مردی نیست که در خانه به همسرش کمک

دهد، جز آنکه به‌عوض هر موی بدنش، ثواب یک سال عبادت که شب‌هایش به نماز و روزهایش به روزه گذشته، برای او مقرر شود و خدا به او همانند ثواب صابران: داود پیغمبر، یعقوب و عیسی (ع) ببخشد. یا علی! هر که در خانه به خدمت عیال پردازد و تکبر نوزد، بدون حساب به بهشت می‌رود و خدا نامش را در دفتر شهدا ثبت فرماید و به‌عوض هر شب و روزی که می‌گذراند، ثواب هزار شهید در حق او می‌نویسد و به‌عوض هر گامی که برمی‌دارد، ثواب حج و عمره برای او می‌نویسد و به‌عوض هر رگی که در تن دارد، شهری در بهشت به وی می‌بخشد.

درک و از خودگذشتگی در زندگی مشترک

کمبود امکانات از ویژگی‌های بارز تاریخ صدر اسلام و به‌ویژه زندگی خانواده‌ی حضرت فاطمه (س) بود، حتی برخی زنان قریش به ایشان به‌خاطر ازدواج با مردی فقیر طعنه زدند، اما در هیچ جا گلایه‌ای از این بابت نداشتند و بنا بر برخی گزارش‌ها، با نخ‌ریسی برای دیگران به اقتصاد خانواده کمک هم می‌کردند. در تاریخ آمده که روزی حضرت امیر به فاطمه‌ی زهرا علیهما السلام گفتند: آیا غذایی داری تا از گرسنگی در بیایم؟ ایشان نفی کردند و گفتند: «آنچه در منزل بوده، به شما و فرزندانم دادم و خودم از غذای موجود استفاده نکردم.» امام علیه‌السلام گفتند: چرا به من اطلاع ندادید تا دنبال غذا بروم؟ حضرت علیها السلام گفتند: ای ابا الحسن! من از خدای خودم خجالت می‌کشم که شما را به کاری که نمی‌توانید انجام دهید مکلف کنم. یعنی من که از وضعیت شما و شرایط جامعه باخبرم، چرا با درخواست خودم فشار بیشتری را به شما وارد آورم (۷)

- ۱: الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق، ج ۵، ص ۵۱۰
- ۲: نهج‌البلاغه، سیدرضی، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۴ ق، نامه ۱۳
- ۳: کشف الغمّه، علی بن عیسی اربلی، مکتبه بنی هاشم تبریز، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۳۶۲
- ۴: بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۲ ق، ج ۴۳، ص ۱۹۱
- ۵: انصاری، عذرا، کتاب جلوه‌های رفتاری حضرت زهرا(س)، قم، بوستان کتاب قم، چاپ دهم، سال ۱۳۸۳
- ۶: افروز، دکتر غلامعلی، کتاب روانشناسی خانواده همسران برتر، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، شماره انتشار: ۱۱۰، چاپ و صحافی سرلک، چاپ ششم پاییز ۱۳۸۲
- ۷: حکیم سید منذر (با همکاری عدی غریب‌اوی)، کتاب پیشوایان هدایت ۳، صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا(س)، ناشر: مجمع جهانی اهل بیت، چاپ: چاپخانه لیلا، نوبت و تاریخ چاپ: اول ۱۳۸۵

مولود صریا

به مناسبت پانزدهم ذی الحجه، سالروز میلاد با سعادت
امام هادی علیه السلام

جهان باشوق می خواند تور ای هادی دنیا و صبی الاوصیاء هستی و من، آن نوکر مولا
به گمراهی دو اندم ساقه‌ی کم روی خود اما چو خاکت، ریشه ام دارد هدایت می کند گل را
صریاء، زادگاه عشق، ز نامت آبرو دارد عقیق خاتمت، خورشید زیبای جهان آرا
ز آن سقای سامرا، کویر دل شود دریا بین ای دل که با نامت چه اعجازی شود پیدا
حوریان پیوسته بر لب نغمه خوان تو شدند جمع گشته گرد مهد هادی نور الهدا
با نگاهی پر شود جام تهی ما دگر صاحب جود است مردم هادی ابن الرضا

پاورقی:

صریا روستایی نزدیک شهر مدینه که گویند حضرت موسی بن جعفر امام هفتم شیعیان آن را بنا نهاد. همچنین امام هادی دهمین امام شیعیان در این روستا به دنیا آمد و مدتی نیز ساکن آنجا بود.



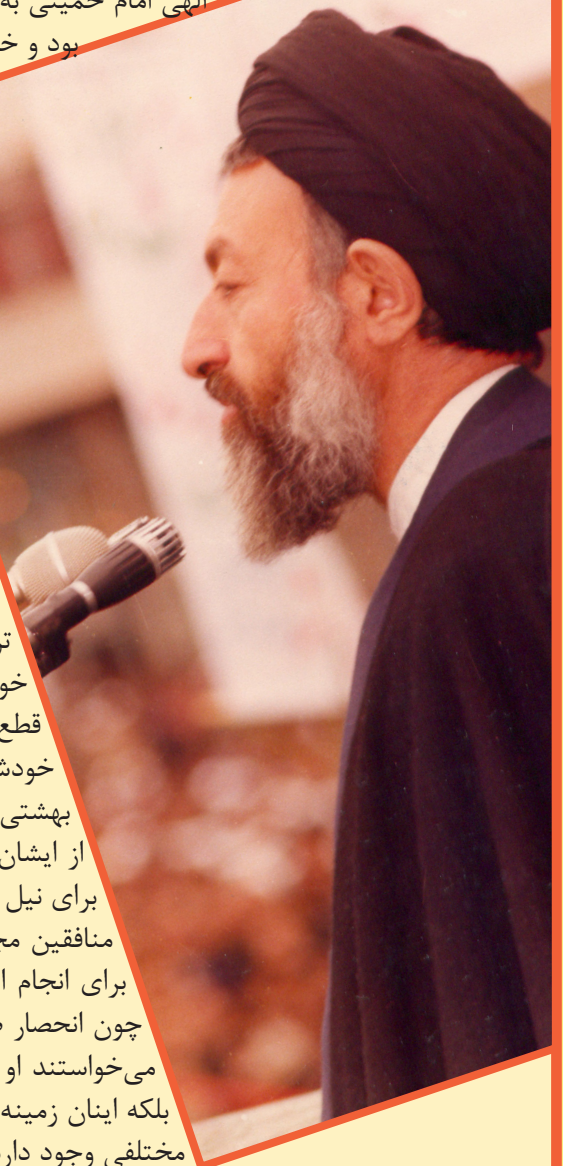
محمدصادق عابدی

علوم تغذیه ۹۹۲

یک ملت

این جان عاریت که به حافظ سپرده دوست روزی رخس ببینیم و تسلیم وی کنم بگذار این ددمنشان که جز به (من) و ماهای خود نمی‌اندیشند (یاکلون کما تاکل الانعام)، عاشقان راه خدا را از بند طبیعت رهانده و به فضای آزاد جوار معشوق برسانند

این بخشی از پیام رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی در رابطه با فاجعه بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران در ۷ تیرماه سال ۶۰ بود. شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی یکی از این یاران انقلابی و سخت‌کوش بود که سرانجام در مسیر تحقق آرمان‌های الهی امام خمینی به فوز عظیم شهادت نائل آمد. شهید بزرگوار قبل از آن که سیاست‌مدار به حساب آید استاد بود و خط فکری و فلسفه تاریخی که دکتر بهشتی به آن معتقد بود، بر مینا تکرار تاریخ و رخ دادن صحنه‌های مشابه و رشد و ظهور شخصیت‌هایی با خصوصیت رفتاری و شخصیتی نزدیک به هم مقرر شده بود. به همین دلیل بود که وی تاریخچه رشد و نمو حیات انقلاب اسلامی را به لحاظ زمانی، مشابه دوران دعوت پیامبر و رشد و شکل‌گیری اسلام در شبه‌جزیره عربستان می‌دانست. این که چه شد که سازمان مجاهدین خلق (منافقین) دست به چنین جنایتی زده و عزیز ما را به شهادت رسانده را باید در ایدئولوژی و سرسختی شهید در مقابل ظلم و ناحقی پیدا کنیم. شهید بهشتی آستانه تحمل و ادبیات عقلانیت بالایی داشت و فهم و درک چنین موضوعی برای سازمان و حتی برخی از انقلابیون مسلمان در آن روزگار سخت بوده است از جمله شهید محمد منتظری. در چنین شرایطی شهید بهشتی متهم به تفکرات غربی می‌شد. سازمان مجاهدین خلق سعی می‌کرد تغییر ایدئولوژی خودش را مخفی کند چون فکر می‌کرد اگر این تغییر ایدئولوژی علنی شود یکسری حمایت‌هایش حذف می‌شود مثل حمایت‌های مالی. اما وقتی یکسری رازهای سازمان را فاش شد و مشخص شد که سازمان قصد داشت شهید بهشتی را ترور کند. یکی از علت‌های ترور هم این بود که شهید بهشتی ارتباط خوبی با بازار داشت و می‌توانست حمایت‌های مالی خوبی برای سازمان دریافت کند اما بعد از این تغییر ایدئولوژی از همه خواست که این حمایت‌ها قطع شود. شهید بهشتی خیلی تلاش در جذب کسانی داشت که اعلام برائت از مارکسیسم و خودشان را مسلمان معرفی می‌کردند. آمریکا و منافقین به خوبی می‌دانستند که آیت‌الله دکتر بهشتی یکی از ارکان این نظام مقدس اسلامی است و نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد و باید از ایشان شروع کرد. آن‌ها وجود او را نیز مانعی در راه رسیدن به اهداف شومشان می‌دیدند و برای نیل به مقاصدشان اقدام به ترور شخصیتش نمودند. البته طراح اصلی این برنامه استعمار بود و منافقین مجریان طرح بودند و استعمار نیز هدفش آن بود که مشروطه‌ای دیگر تکرار گردد. منافقین برای انجام این هدف استعماری، شخص و شخصیت دکتر بهشتی را نشانه گرفتند و با تهمت‌هایی چون انحصار طلب، سرمایه دار و... سعی در خدشه دار کردن شخصیت ایشان داشتند و با این کارشان می‌خواستند او را از صحنه انقلاب خارج سازند. گرچه در واقع هدف ترور شخصیت دکتر بهشتی نبود، بلکه اینان زمینه را برای کنار زدن روحانیت فراهم می‌کردند. درباره چرایی ترور شهید بهشتی تحلیل‌های مختلفی وجود دارد ولی یکی از چرایی‌های آن که خود سازمان هم مانور می‌دهد این است که آنها می‌گویند می‌خواستند انقلاب را بی‌آینده کنند. چون شهید بهشتی یکی از افراد انسجام‌بخش در انقلاب اسلامی ایران بود. در روز حادثه (هفتم تیر ۱۳۶۰)، او مثل همیشه با تبسمی بر لب، به دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی آمد و در جلسه اعضای حزب جمهوری شرکت کرد. جلسه با قرائت قرآن آغاز شد و پس از آن، سخنرانی قافله سالار شهدای هفت تیر شروع شد، که ناگهان با انفجاری که به دست سازمان مجاهدین خلق روی داد، آیت‌الله بهشتی (در ۵۳ سالگی) و بیش از هفتاد یار باوفایش درجه شهادت نایل آمدند



اسلام و غرب تعامل یا تقابل

مهدی حسینی کفشدار

علوم تغذیه ۹۷۲

گفت که از طرف آمریکا به ما پیام دادند که شما اگر اسرائیل را به رسمیت بشناسید ما با برنامه هسته‌ای شما مشکل نداریم (همان‌طور که آمریکا با برنامه هسته‌ای ترکیه و امارات و عربستان مشکلی ندارد). مشکل اصلی کسانی که دائم دم از مذاکره می‌زنند دو چیز است: اول به تجربه تاریخی توجهی ندارند. ما نمی‌گوییم از ۲۵۰۰ سال پیش تاریخ بخوانند، همین تاریخ معاصر کفایت می‌کند. امروز نماینده اصلی جریان غرب یعنی آمریکا. دوم اینکه درک درستی از دین ندارند و حداقل کتاب قرآن را نخوانده‌اند که بفهمند دشمن هیچ حدی در دشمنی ندارد. دوستان طرفدار مذاکره باید بگویند که ما چقدر امتیاز بدهیم تا آن‌ها قانع شوند و دست از سر ما بردارند؟ ما چقدر کوتاه بیاییم و نرمش کنیم تا آنها از ما راضی شوند؟ جواب این افراد در قرآن نوشته شده :
وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ
هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی و از آیین (تحریف یافته) آنان پیروی کنی (سوره مبارکه بقره آیه ۱۲۰).
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می‌گیرند - از اهل کتاب و مشرکان - ولی خود انتخاب نکنید؛ و تقوا پیش کنید اگر ایمان دارید! (سوره مبارکه مائده آیه ۵۷).
چهارم نیز عدم بستن عهد و پیمان با افراد پیمان‌شکن و اهل فریب است: **وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ؛** و آنان که پس از پیمان بستن، عهد خدا را می‌شکنند و هم از آنچه خدا امر به پیوند آن کرده پاک می‌گسلند و در روی زمین فساد و فتنه برمی‌انگیزند اینان را لعن (خدا) و منزلگاه عذاب سخت دوزخ نصیب است. (سوره مبارکه رعد آیه ۲۵)
نتیجه آن که کسی منکر تعامل و گفتگوی سازنده نیست که اتفاقاً توصیه قرآن بر همین است: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا** - ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. (سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳) اما هنگامی که دشمنان به عهد خود وفا نمی‌کنند و به قول رهبر انقلاب با یک دست به ما دست می‌دهند و با دست دیگر از پشت به ما خنجر می‌زنند، نمی‌توان دوستی کرد.

روز ۲۳ تیر را به پیشنهاد رئیس‌جمهور وقت حجت‌الاسلام روحانی به نام روز گفتگو و تعامل سازنده با جهان نام‌گذاری کردند. این مناسبت بیش از آن که نیاز به جشن گرفتن و شیرینی پخش کردن داشته باشد، مایه عبرت حال و آیندگان است. اولین بار نبود که افرادی در کشور ما به خیال باز کردن قفل رابطه با آمریکا، کلیدی را از جیب بیرون آوردند و با شعار تعامل و مذاکره به دنبال رفع کدورت‌ها و اختلافات بودند. در دهه ۷۰ شمسی هم هنگامی که رئیس وقت دولت اصلاحات روی کار آمد، با شعار گفتگوی تمدن‌ها (که در مقابل برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون بود) سعی کرد دید دنیا را نسبت به ایران تغییر دهد و چهره‌ی خشن و غیرواقعی که رسانه‌های جریان اصلی غرب علیه ایران درست کرده بودند را ترمیم و تلطیف کند، اما نتیجه این اقدامات به‌هیچ‌وجه به سود ایران نشد. گفته‌اند ملتی که از تاریخ درس نگیرد خود درس عبرت دیگران خواهد شد و به فاصله دو دهه، بلای مشابهی بر ما حادث شد که ناشی از ضعف حافظه تاریخی ما ایرانیان بود. جرج بوش پسر پس از آن که دولت اصلاحات طرح گفتگوی تمدن‌ها و اسلام رحمانی! را در عرصه بین‌الملل پیش کشید و حتی در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب کرد، با قراردادن نام ایران در کنار کره شمالی و لیبی و سوریه و عراق، از ما به‌عنوان محور شرارت نام برد و با حمله غیرقانونی به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ موج جدیدی از حملات علیه جهان اسلام و مشخصاً فشار آوردن به ایران با تجاوز به همسایگان شرقی و غربی ما را آغاز کرد. در اوایل دهه هشتاد هم با ۳ کشور اروپایی انگلیس، آلمان و فرانسه در تهران، توافقی به نام سعدآباد امضا شد که ایران باید برنامه هسته‌ای‌اش را متوقف کند تا تحریم‌هایش برداشته شود. چند سالی گذشت و وعده‌های نسیه آنها توخالی از آب درآمد. مجدد آزموده را آزمایش کردیم و این بار با ۱+۵ در دولت اعتدال به گفتگو نشستیم. نتیجه آن هم توافق نیم‌بند و پر ایرادی به نام برجام بود که تنها تحریم‌های ثانویه هسته‌ای ایران را تعلیق (و نه لغو) می‌کرد. بعد از آن هم که آمریکایی‌ها به طمع توافقی که کل برنامه هسته‌ای ما را تعطیل کند از برجام خارج شدند و بر شدت تحریم‌ها افزودند و نامش را تحریم‌های کمرشکن گذاشتند که قرار بود ایران را به‌زانو در بیاورد و تسلیم نامه دیگری امضا شود. البته ما هیچ‌گاه رئیس‌جمهور سابق را که از عاشورا درس مذاکره می‌گرفت و توان علمی و فنی کشور را گروگان گرفت نخواهیم بخشید. چون به‌خوبی برنامه آمریکا را برای مهار ایران می‌دانیم. آمریکایی‌ها ذاتاً با اسلام مشکل ندارند (همان‌طور که چشم بر جنایات عربستان سعودی در یمن و جنایات ترکیه در سوریه بستند)، آمریکایی‌ها با استقلال ایران مشکل دارند، با ظلم‌ستیزی و مقابله ما با اسرائیل مشکل دارند. آقای امیر عبداللهمیان (وزیر امور خارجه فعلی کشورمان) چندی پیش در خلال گفتگوهای منطقه‌ای

گزارش تصویری

(گوشه ای از فعالیت های کانون قرآن و عترت مأوا در بهار ۱۴۰۱)



برگزاری مراسم گرامیداشت روز جهانی قدس



تهیه، بسته بندی و توزیع بسته های معیشتی در بین
نیازمندان مناطق محروم مشهد با همکاری کانون تبسم



برپایی ایستگاه صلواتی به مناسبت
ولادت حضرت معصومه(س) و
روز دختر

چه روزی را امام رضا علیه السلام اینگونه معرفی کردند؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَارْحَمْ
عَلَيْهِمْ أجمعين
وَارْحَمْ مُحَمَّدًا
وَأَهْلَ بَيْتِهِ
وَارْحَمْ
مَنْ آمَنَ بِهِمْ
وَارْحَمْ
مَنْ آمَنَ
بِهِمْ

منبع: کتاب "اقبال الاعمال" ص ۴۶۴



استان قدس رضوی
معاونت تبلیغات آرای

روز غدیر خم دین شما را به حد کمال رساندم و نعمتم را بر
شما تمام کردم و اسلام را بعنوان دین برای شما پسندیدم.

(مائده: ۳)

عاشورا

سنگنت مولا همدنا



مرکز آموزش عالی
علوم پزشکی
وارسنگان



تابستان ۱۴۰۱